

راه توده

توده‌ای‌ها و تاریخ!

- ♦ وحدت حزب و سازمان اکثریت
- ♦ اتحاد بنی‌صدر و مجاهدین خلق
- ♦ توطئه کودتائی قطب‌زاده
- ♦ یورش انگلیسی به توده‌ای‌ها

اعتراف به سرنخ‌های

یورش انگلیسی به حزب

روزنامه همشهری

و (ص ۲۵)

تاریخ‌نگاری
رفسنجانی

ارزیابی شورای سردبیری و سیاستگذاری راه توده
از موقعیت جنبش - انتخابات ۸۰ و مرحله دوم اصلاحات

اصلاحات انقلابی از کدام گذرگاه باید عبور کند!

شورای سردبیری و سیاستگذاری راه‌توده نتیجه انتخابات هشتمین دوره ریاست جمهوری و به پیروزی رسیدن محمدخاتمی در این انتخابات، پیش بینی سیر حرکت جنبش عمومی مردم ایران، تعیین و تدقیق مشی و سیاست راه‌توده در چهار ساله دوم ریاست جمهوری محمدخاتمی و برخی نقطه نظرات و موضع‌گیری‌های جدید در نشریه "نامه مردم" را مورد بررسی قرار داد.

جبهه بندی‌های نوین در جنبش، شکل‌گیری تشکل‌های جدید در داخل کشور و در دو طیف حکومتی طرفدار و مخالف تحولات، آرایش نیروهای خواهان تحولات انقلابی در داخل کشور و تاثیر آن بر احزاب، سازمان‌ها و شخصیت‌های سیاسی خارج کشور، عمده‌ترین و عام‌ترین شعار جنبش در این مرحله از مبارزه مردم ایران در راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی و پیش بینی تشکیل عملی جبهه‌ای در بر گیرنده همه نیروهای طرفدار تحولات در داخل و خارج حاکمیت نیز مورد بحث و برخی تصمیمات در ارتباط با این مسائل مورد هماهنگی قرار گرفت. در فاصله پایان انتخابات ۸۰ تا انتشار شماره ۱۰۸ راه‌توده، اعضای شورای سردبیری و سیاستگذاری در جریان نظراتی پیرامون مباحث بالا، از طریق پیام‌ها و یا نامه‌های پیشنهادی قرار داشته و یا بعنوان نقطه نظرات رفقائی که با آنها تماس مستقیم برقرار است قرار گرفته بود. این نقطه نظرات نیز در جمع‌بندی مسائل مورد نظر مورد توجه ویژه قرار گرفت.

شورای سردبیری و سیاستگذاری، ضمن بررسی مطالبی که در جریان کارزار انتخاباتی هشتمین دوره ریاست جمهوری و در ارتباط با شخص محمدخاتمی در نشریه "نامه مردم" و در ارتباط با جنبش داخل کشور مطرح شده است، این مواضع را متفاوت با مطالب منتشره در همین نشریه در جریان انتخابات خرداد ۷۶ و در مجموع مثبت ارزیابی کرد. شورا ابراز امیدواری کرد که این مواضع به دور از نوسان‌های هیجانی متأثر از حوادث روزانه جنبش، به یک سیاست روشن، قاطع و دراز مدت در ارتباط با جنبش و اصلاحات تبدیل شود. همچنین مسئله مبرم و ضروری وحدت نظری و تشکیلاتی حزب توده ایران، موضوع خبر کناره گیری رفیق‌علی‌خاوری از دبیراولی حزب، که در نشریه نامه مردم منتشر شده نیز مورد توجه و بررسی قرار گرفت. شورا بر این نظر است، که اقدام و خبری که منتشر شده خلاف مصالح حزب و اساسنامه حزب، بویژه در شرایط کنونی تحولات داخل کشور است. در همین ارتباط، شورای سردبیری و سیاستگذاری راه‌توده در جریان نقطه نظرات و پرسش‌هایی که از سوی برخی محافل آگاه توده‌ای داخل کشور مطرح شده است، نیز قرار گرفت، که در موضع‌گیری شورای سردبیری و سیاستگذاری راه‌توده در ارتباط با این خبر منعکس شد!

(بقیه را در ص ۲ بخوانید)

شکست بناپارتیسم
در انتخابات ۸۰

(ص ۱۶)

آقازاده‌ها

کی قد کشیدند؟

(ص ۱۴)

فاجعه سلطه
مافیای تجاری
بر حاکمیت

(ص ۲۸)

نفت ایران

سوخت جنگی

طالبان افغانستان

راتامین می‌کند!

(ص ۲۹)

چپ "جنبش"

سخنگو می‌خواهد!

(ص ۸)

جمع‌بندی شورای سر‌دیری و سیاست‌گذاری راه توده از موقعیت جنبش - انتخابات ۸۰ و مرحله دوم اصلاحات

میلیون‌ها مردم غارت شده ایران، که در انتخابات اخیر به محمدخاتمی رای دادند و یا در اعتراض به پایمال شدن آرمان‌های انقلاب ۵۷ پای صندوق‌های رای حاضر نشدند از تعمیق اصلاحات دفاع می‌کنند و خواستار تصمیمات جدی در زمینه دگرگونی ساختار اقتصادی-سیاسی کشور هستند. نتایج حاصله از انتخابات دوره هشتم ریاست جمهوری قدرت اجرائی برای این اصلاحات را تقویت کرد. در این مرحله، که آن را مرحله دوم اصلاحات نام نهاده‌اند سیاست‌های اقتصادی دولت و مجلس نمی‌تواند منعکس‌کننده این خواست مردم نباشد. کنترل تجارت خارجی، نظارت بر توزیع کالا، احیای صنایع ملی و تقویت بازار داخلی و منطقه‌ای برای تولیدات داخلی از یک سو و رفتن به سوی برقراری نظارت و کنترل دولت و نهادهای انتخابی بر بنیادهای بزرگ مالی و قرار دادن آنها در سیستم دقیق مالیاتی و همسو کردن آنها با سیاست‌های دولت فوری‌ترین و عاجل‌ترین گامی است که باید برداشته شود. طبعاً اجرای این برنامه به معنای محدود شدن اختیارات نهاد رهبری و خارج ساختن آن از موقعیت فرافانونی و خودمختاری است که در تمام دوران پس از پیروزی انقلاب داشته‌است و از این نظر، دگرگونی در ساختار اقتصادی کشور به مفهوم دگرگونی در ساختار سیاسی-حکومتی نیز هست.

متکی به این تغییر ساختار است که تکلیف و ترکیب شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، ضوابط مذهبی-حکومتی انتخاب ائمه جمعه، خارج ساختن نهادها و بنیادهای عظیم مالی و خارج ساختن نهادهای بزرگ تبلیغاتی-فرهنگی (نظیر شورای تبلیغات اسلامی، مدیریت سیمای جمهوری اسلامی)، ضوابط برگماری فرماندهان نیروهای نظامی و انتظامی، ضوابط تعیین نمایندگان ولی‌فقیه در نهادها و ۰۰۰ همگی و به ترتیب اولویت در دستور روز قرار می‌گیرد.

چهار سال اول

انتخابات خرداد ۸۰ نشان داد که میلیون‌ها مردم ایران مصمم به حضور در صحنه مبارزه و تداوم جنبش اصلاحات هستند و خواست‌های آنها در حقیقت خواست‌هایی انقلابی است، که امروز و بر مبنای شیوه‌ای که جنبش با توجه به شرایط موجود در کشور اختیار کرده، در اشکال مسالمت‌آمیز آن بیان می‌شود. حضور در پای صندوق‌های رای از جمله این شیوه‌هاست.

طیف طبقات، اقشار و نیروهای حاضر در جنبش اصلاحات و اشکال نوین توازن نیروهای اجتماعی، حضور سخنگویان و مجریانی مصمم و پاسخگوی این خواست‌ها را در دولت به یک ضرورت تبدیل کرده‌است. اگر چهار سال نخست دولت متکی به رای ۲۱ میلیونی محمدخاتمی را چهارساله آگاهی بیشتر و بیشتر مردم از ساختار مافیائی جنایت، قدرت، ثروت و حکومت در جمهوری اسلامی ارزیابی کنیم، چهار سال دوم ریاست جمهوری وی که متکی به نزدیک به ۲۲ میلیون رای قرائت شده و حدود ۴ میلیون رای گرفته شده، اما خوانده نشده و یا باطل شده مردم است باید چهار ساله بهره‌گیری از این آگاهی و بسیج مردم برای تغییر ساختار اقتصادی کشور شود. این تغییر ساختار الزاماً باید با

محدود شدن هرچه بیشتر نقش سرمایه‌داری تجاری، کوتاه شدن دست غارتگران، فرو ریختن دیوار اقتصاد مافیائی و دلالی و رفتن به سمت احیاء و گسترش صنایع داخلی باشد. برای چنین گام بلند و عظیمی، افشاگری‌های اقتصادی و در صحنه نگهداشتن مردم یک ضرورت تاریخی است. این افشاگری‌ها به فضای باز مطبوعاتی نیازمند است و به این لحاظ گشایش فضای سیاسی کشور، حضور احزاب سیاسی در صحنه و تشکیل وسیع‌ترین جبهه‌ها برای پیشبرد اصلاحات نه تنها اجتناب‌ناپذیر، بلکه تاخیر ناپذیر نیز هست.

جبهه‌ها و تغییر جبهه‌ها

بی شک آغاز و تشدید تصمیم‌گیری‌های قاطع برای تغییر ساختار موجود اقتصادی کشور واکنش‌ها و مقاومت‌هایی را بدنال خواهد آورد که ابعاد آن می‌تواند سنگین‌تر از مقاومت‌های چهار سال گذشته در برابر دولت و اصلاحات باشد، زیرا چنین تغییری در واقع یورش به پایگاه واقعی مخالفان اصلاحات است و تضعیف پایگاه حکومتی آنها را بدنال می‌آورد. بنابراین، از هم اکنون باید آماده مقاومت‌های سنگین‌تر در برابر اصلاحات بود. مقاومتی که جز با آگاه‌سازی و بسیج و سازماندهی مردم برای مقابله با آن چاره دیگری وجود ندارد.

با آغاز ایجاد تغییرات اساسی در ساختار حاکم اقتصادی بر کشور، باید تغییر ترکیب نیروهای حاضر در جبهه اصلاحات و یا جبهه موسوم به دوم خرداد را پیش بینی کرد.

از آنجا تغییرات در **ساختار اقتصادی** جز با کنار گذاشتن برنامه **تعدیل اقتصادی** صندوق بین‌المللی پول و گام برداشتن در جهت لغو تصمیمات و قوانین مربوط به دوران اجرای این برنامه خانمان برانداز ممکن نیست، نخستین مقاومت‌ها را باید از سوی **راست‌ترین بخش کارگزاران سازندگی** انتظار داشت. مقاومت‌هایی که احتمالاً به خروج آنها از جبهه موسوم به دوم خرداد و پیوستن آنها به بخشی از جبهه مخالفان اصلاحات را بدنال خواهد آورد.

در جبهه مخالفان اصلاحات نیز **بخش دوراندیش‌تر** آن، از بیم تعمیق جنبش و اصلاحات حساب خود را از بخش دیگری از این جبهه جدا خواهد کرد. یعنی، از بخشی که با حادثه جوئی‌های توأم با جنایت، همچنین در پی تحقق رویای برقراری **حکومت و یا حکومت نظامی اسلامی و سرکوب جنبش** است. تقویت پذیرش ناتوانی در سرکوب جنبش از یکسو و بیم از تغییر روش‌های مسالمت‌آمیز مردم برای تحقق خواست‌های انقلابی‌شان از سوی دیگر، از جمله انگیزه‌های قوی جدائی‌ها در جبهه مخالفان اصلاحات است. بخش دوراندیش‌تر مخالفان اصلاحات خواهند کوشید با راست‌ترین بخش جبهه موسوم به دوم خرداد متحد شده و جبهه سومی را با دو هدف تشکیل دهد:

- جلوگیری از تعمیق جنبش و از دست دادن بسیاری اهرم‌های حکومتی که در اختیار دارند؛

- پرهیز در استفاده از روش‌های غیر مسالمت‌آمیز که در صورت شکست و یا پیروزی، می‌تواند مجموع جنبش را به استفاده از روش‌های غیر مسالمت‌آمیز ترغیب کند!
این طیف و این جبهه بیش از پیش خواهد کوشید نظر مثبت امریکا را، بعنوان مخالف تعمیق جنبش و ترک قطعی برنامه

تحلیلی از روند جنبش باشد که بتواند نه تنها طرفداران اصلاحات در داخل و حاشیه حاکمیت، بلکه طرفداران اصلاحات در خارج از حاکمیت را نیز ماهیتا در بر گیرد و زمینه را برای تحقق عملی آن فراهم سازد. بنظر ما ماهیت و ظرفیت این شعار به دلائلی که می‌توان بر شمرد جز «دفاع از جمهوریت» نیست، حتی اگر با اسامی دیگری و بر اساس مقتضیات دیگری مورد پذیرش قرار گیرد.

از آنجا که نام‌هائی نظیر «جبهه دوم خرداد»، «جبهه اصلاحات»، «جبهه مشارکت»، «جبهه همبستگی» و دیگر اسامی، حتی «جبهه ملی» در این مرحله نمی‌تواند ماهیت عام‌ترین خواست‌های مردم را منعکس کند و یا دو سنگر اصلاح طلبان داخل و خارج حاکمیت را به هم وصل کند، ضرورت دارد هر چه سریعتر این جبهه با نامی که منعکس کننده واقعیات امروز و خواست‌های عام مردم باشد تشکیل شود. پیشنهاد ما در این زمینه «**جبهه دفاع از جمهوریت**» است. این نام ماهیت مخالفت با تغییر قانون اساسی با هدف تبدیل **جمهوریت** به **حکومت** را، که خواست مخالفان اصلاحات و طرفداران ارتجاع است دارد و از رای، انتخاب، اراده مردم و مردمسالاری دفاع می‌کند و آن را بعنوان یکی از سه شعار اصلی انقلاب ۵۷ سکوی دفاع از دو خواست و شعار دیگر، یعنی عدالت و آزادی نیز می‌کند. هیچ حکومت مردمسالاری نیست که از آزادی دفاع نکند و هیچ آزادی واقعی علیه عدالت اجتماعی عمل نمی‌کند! بنابراین دفاع از جمهوریت امروز و در شرایط ویژه‌ای که کشور در آن قرار دارد واقعی‌ترین خواست و شعار مردم است. دفاع از جمهوریت و تبدیل آن به شعار جبهه و جنبش، عملاً از انتخاب در برابر انتصاب و از جمهوریت مردم در برابر ولایت دفاع می‌کند. این شعار در عین حال مرزبندی‌های مذهبی را نیز به همراه ندارد و هر نیروی دارای اندیشه‌های مذهبی، به شرط دفاع از اصلاحات و رای و اراده مردم می‌تواند در آن شرکت کند.

کم‌کاری‌ها و سستی‌ها!

نمی‌توان از کم‌کاری‌ها، کم‌توجهی‌ها و ضعف‌های مرحله اول اصلاحات سخن گفت و علاوه بر ضعف اساسی در سازمان دادن یورش به پایگاه‌های اقتصادی مخالفان اصلاحات به کم‌توجهی به جلب نیروهای نظامی و بویژه بخشی از فرماندهان آن به اصلاحات اشاره نکرد. در همین ارتباط، سازماندهی معلولین، مجروحین، اسرای جنگی و خانواده‌های قربانیان جنگ از یک طرف و تشکل‌های تصفیه‌شدگان سیاسی و آرمان‌خواه این نیروها، که قربانی انواع توطئه‌های پس از پایان جنگ و درگذشت آیت‌الله خمینی شده و به حاشیه رانده شده‌اند از طرف دیگر ضرورتی است که در مرحله دوم اصلاحات نباید نسبت به آن بی‌توجه بود. دولت و مجلس با بردن لوایح لازم به مجلس باید چتر حمایت خود را بر سر این نیروها گسترده کند. ادامه جنگ یک خطای تاریخی - در حد خیانت به میهن - بوده است، اما آنها که معلولین، مجروحین و قربانیان این جنگ‌اند همگی میهن‌دوستانی بوده و هستند که در راه دفاع از کشور جان و سلامت خود را از دست داده‌اند. پل پیوند میان این نیروها و جنبش کنونی را بصورت سازمانی باید برقرار کرد و افکار عمومی را هرچه بیشتر به حمایت از آنها برانگیخت! زمینه این حمایت و پیوند را با افزایش آراء نیروهای بسیج و سپاه، خانواده قربانیان جنگ و شهرک‌های معلولین و

سندوق‌بین‌المللی پول به خود جلب کند و این یکی از اهداف مهم آنها خواهد بود! آنها این مخالفت را تا حد کوشش برای فراهم ساختن زمینه‌های بین‌المللی حمله نظامی امریکا به ایران نیز، به امید نجات خویش و نظامی کردن فضای کشور دنبال خواهند کرد. در عرصه داخلی نیز آنها با تمام توان تبلیغاتی و حکومتی خود علیه بخش رادیکال و چپ حاضر در جبهه موسوم به دوم خرداد عمل خواهند کرد تا مانع تغییر ساختار اقتصادی کشور شده و این بخش را از حاکمیت خارج کنند.

در جبهه موسوم به دوم خرداد

جبهه موسوم به دوم خرداد، با خروج بخشی از کارگزاران سازندگی از آن در عین حال که بندهائی را از پای خود باز می‌کند، بخشی از توان مانور خود در داخل حاکمیت را نیز از دست خواهد داد. برای جبران این توان از دست داده، یگانه راه حل ممکن فراه کردن دایره جبهه و گسترش آن تا حد حضور فعال نیروهای طرفدار اصلاحات اما خارج از حاکمیت و پیرامون حاکمیت در این جبهه است. گشایش فضای سیاسی کشور تا حد حضور احزاب غیر حکومتی و شناخته شده در صحنه سیاسی کشور در این مرحله بیش از پیش اهمیت تاریخی خود را نشان می‌دهد. این همان کوششی است که به همت بخشی از ملی-مذهبی‌های ایران در آستانه انتخابات مجلس ششم می‌رفت تا تحقق یابد و کنفرانس برلین می‌توانست نقش مهمی در یاری رساندن به آن ایفاء کند. متأسفانه بدلیل کم‌اطلاعی اپوزیسیون خارج از کشور از روند حوادث داخل کشور، کم‌تجربگی اصلاح طلبان داخل و پیرامون حاکمیت و قدرت اطلاعاتی سازمانی متکی به ثروتی که مخالفان اصلاحات در اختیار دارند به این حرکت ضربه‌ای در حد تبدیل قوه قضائیه به «**فرمانداری نظامی**» یک حکومت نظامی زد، که پیامدهای آن بصورت **یورش به نیروهای ملی-مذهبی** همچنان ادامه دارد. به این ترتیب، شعار درست «**ایران برای همه ایرانیان**» در نیمه دوم مرحله اول اصلاحات، که به شعار انتخابات مجلس ششم تبدیل شد، نتوانست تحقق یابد. شعاری که همچنان باید در دستور روز اصلاحات بماند و به **مرز بندی فاشیستی خودی و غیر خودی** در جامعه خاتمه ببخشد. گشایش فضای سیاسی کشور، حضور احزاب سیاسی غیر حکومتی در جامعه و گام برداشتن در جهت تشکیل جبهه‌ای برای تداوم، تعمیق و حفاظت از اصلاحات، در واقع حرکت به سوی درهم کوبیدن این مرزبندی فاشیستی است. حصار و مرزی که از درون آن فساد، تبعیض، غارت، جنایت و اعتیاد سربرآورده است. هیچ «**غیر خودی**» در میان غارتگران وجود ندارد و اگر داشته باشد از جانب «**خودی‌ها**» حمایت شده است. تبعیض و جنایت و مواد مخدر نیز از درون دایره «**خودی**» ها رهبری شده است. بنابراین مبارزه با تبعیض، غارت، جنایت، دزدی و فساد، یعنی گرفتن گریبان خودی‌ها، نه غیر خودی‌ها که خود قربانی این فاجعه‌اند!

نوع و ماهیت جبهه

شورای سردبیری و سیاستگذاری راه‌توده، همانگونه که در اطلاعیه اعلام و ضرورت حمایت همه جانبه از محمدخاتمی در انتخابات ریاست جمهوری ۸۰ اعلام داشت، معتقد به تشکیل وسیع‌ترین جبهه برای تعمیق و تضمین اصلاحات است. این جبهه باید متکی به چنان شعار و

